

اشتباه محاسباتی در چگونگی ارزیابی تهدیدهای امنیتی تجزیه و تحلیل فرآیندهای بی‌ثباتی در کشور و منطقه اقدامات پیشگیرانه یا نسخه‌ای برای شکست؟

چشم انداز توسعه سیستم سیاسی در شرایط کنونی کشور ما
نحوه شکل‌گیری بحران اجتماعی - سیاسی در افغانستان
در نظر داشت جزئیات و ظرافت‌های حقوقی
مانورهای جنگ اطلاعاتی و پیامدهای آن

یکی از مهمترین دلایل بروز اشتباهات محاسباتی اینست که خیلی مواقع از پذیرفتن آن شانه خالی گردیده است. گاهی هم مراحل محاسباتی در مقایسه با مفهوم و مراحل حل منطقی حل معضل بی‌ارزش پنداشته شده است. یکی دیگر از اشتباهات محاسباتی، سرعت بی‌موردی است که گاهی بخرج داده می‌شود. سرعت در محاسبات با عجله کردن درست نمیشود، بلکه محاسبات سریع و بدون غلطی، مهارتی است که فقط با تمرین ایجاد میشود و با صیوری و پشت کار، در یک زمان بخود آمده و می‌بینید وضعیت بهتری تکوین پذیرفته است. در شرایط کنونی، مواردی در کشور عزیز ما جریان دارد که مهره‌های صفحه شطرنج افغانستان را دوباره جاگذاری می‌نماید. مهره‌هایی که سالها در جای خود ثابت مانده بودند. در مورد تاریخچه‌ای از چگونگی استفاده ایالات متحده از صلحسازي بمتابۀ وسیله‌ای بمنظور جانشین کردن ایالات متحده بجای اتحاد شوروی در قالب قدرت خارجی مسلط در منطقه است. بسیاری از دست‌اندرکاران مسایل بین‌المللی تأکید مینمایند که: "درست‌ها منظور یکه زمانی و اشنگتن جایگزین اتحاد شوروی بمتابۀ شکل دهنده تحولات در منطقه شد، اکنون نیز مسایل طبیعی جایگزین امریکا بعنوان نیروی مسلط شده است." برخی از منتقدان احتمال می‌دهند که خطمشی ایالات متحده در سیاست خارجی از لابلای و لابی‌گری تأثیر می‌گیرد. در اوایل سده ۱۹ برخی از جنرال‌های امریکایی با رها کردن انجام اشتباهات محاسباتی، از اختیارات شان فراتر رفته بقبایل سرخپوستان امریکا حمله نموده و همچنین بدون اجازه رسمی بقلمرو اسپانیایی در فلوریدا حمله نمودند.

حافظه تاریخ گواهی میدهد که بیشتر از دودوده قبل، درست‌زمانی که نظامیان امریکایی و ناتو با تمامی امکانات شان در کشور ما اطراق نموده بودند، گروه "داعش"، که در ادبیات عرب بسادگی داعش نامیده می‌شدند، موجودیت شان در کشور عزیز ما از قوه بفعال مبدل گردیده، با انجام اقدامات تروریستی و دهشت‌افگنی‌هایی وارد میدان گردیده و در نخستین گام نه در مخالفت با نظامیان ایالات متحده و ناتو، بلکه در امر مبارزه و پیکارشان علیه "طالبان" ها تأکید بعمل آوردند. زمانی که واقعیت متذکره با مسؤلان امریکایی و هم‌پیمانان شان در میان گذاشته شد، اما آنها با طرح مسایلی، وضعیت پیش آمده را کم‌اهمیت جلوه داده و به عواقب و پیامدهای آن توجه آنچنانی بعمل نیآوردند. ببینید، از هفتاد و پنج سالگی ناتو در امتداد ماه نوسال روان، تجلیل بعمل آمد. دقیقن، بتاریخ ۴ ماه اپریل سال ۱۹۴۹ ترسای بی، ایجاد و پایه‌گذاری پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در واشنگتن عقد گردید. در اوایل، بتعداد ۱۲ کشور یعنی ایالات متحده، کانادا، آیسلند، بریتانیا، فرانسه، بلژیک، هالند، لوکزامبورگ، ناروی، دنمارک، ایتالیا و پرتگال بمتابۀ کشورهای مؤسس پیمان یادشده پنداشته میشوند. هدف عمده پایه‌گذاری و ایجاد چنین پیمان و دسته‌بندی نظامی، تقابل و رویارویی در مقابل اتحاد شوروی محسوب می‌گردید، اما اکنون که سی سال از نبود اتحاد شوروی سپری می‌گردد، نه تنها موجودیت ناتو با آنهمه شاخ و برگش حفظ گردیده، بلکه وسعت و گسترش آن همچنان ادامه دارد. در وضعیت کنونی، بتعداد ۳۲ کشور در آن عضویت داشته، نیروهای متحد در اروپا در حال گسترش بوده، هزینه‌های

نظامی آنها بگونه سرسام آوری افزایش حاصل نموده و کشورهای عضو ناگزیر با افزایش مبالغ هنگفت دفاعی بالاتر از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی بوده و سرهم بندی تدارکات نظامی و جنگی، بویژه در نزدیکی مرزهای روسیه نیز در حال افزایش می باشد. تدارکات و فراهم آوری تسلیحات نظامی و وسایل جنگی و محاروبی به اکرانین بگونه غیر قابل تصویری انجام می گردد. عجز و ناتوانی ناتو، بویژه در چگونگی انطباق با شرایط و وضعیت جهان بگونه چشمگیری بمشاهده می رسد. موجودیت اختلافات و نبود توافق هایی در موارد موجود و عدم تمایل ناتو به در نظر داشت وضعیت کنونی جهان و همچنان اطمینان منزلزل باثربخشی و سودمندی اهداف اعلام شده و مشخص شده، از جمله یکی هم "حفظ ثبات و امنیت بین المللی" را بیش از پیش بی اعتبار و غیر قابل دسترسی می نمایاند.

عده ای از دست اندرکاران نظامی و از جمله کارشناسان روابط و مناسبات میان روسیه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده چنین می پندارند که با توجه ویژه بانتخابات پیشرو در ایالات متحده و امکان برنده شدن دونالد ترامپ جمهوریخواه در انتخابات یادشده، آینده ناتو در حاله ای نامشخص بنظر رسیده و موجودیت آن در حاله ای از ابهام قرار خواهد گرفت. بسیاری ها هم چنین می پندارند که شکست در اکرانین، بخودی خود و بنحوی از انحأ بسرنوشت و اصل موجودیت دسته بندی نظامی یاد شده اثرات منفی بجا خواهد گذاشت، چه بسیاری از نظامیان باتجربه و وارد بمسایل و قضا یای موجود در شرایط و وضعیت کنونی، معتقدند که برای ناتو وضعیت و دورنمای روشن و قابل دیدی اصلن بمشا هده نمی رسد. این واقعیت بهمگان واضح و روشن می باشد که بویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اگر نه بگو نه گلی، بلکه بطور قسمی، مؤثریت و اهمیتش را از دست داد. با اینهمه، بسیاری ها چنین می پندارند که تحت هیچگو نه شرایطی، آینده ای برای ناتو اصلن متصور نمی باشد. مدتی قبل، دبیرکل ناتو در جشن های ۷۵ سالگی پیمان یادشده، اظهارات جالبی بعمل آورده و گفت که حمایت ناتو از عملیات نظامی در اکرانین بهیچوجه نباید بمثابه مشارکت در درگیری های موجود در آنکشور تلقی گردد، کاملن خنده آور و مشمنزکننده می باشد. مهمتراز همه اینکه ناتو در امتداد هفتاد و پنجمین سال تأسیس و پایه گذاری اش، اصلن موردی بمنظور جشن گرفتن ندارد. دسته بندی نظامی یادشده، بویژه پس از ایجاد و پایه گذاری اش، فقط و فقط یحران ها را دامن زده، باتها وسعت بخشیده و آتش درگیری های مسلحانه را در جهان ما بیش از هر زمان دیگری برافروخته است.

چنانچه قبلن گفته آمد که پیمان اتلانتیک شمالی، بویژه در تجلیل ۷۵ - مین سال تأسیس و بنیانگذاری اش، اصلن هیچ مناسبتی برای جشن گرفتن ندارد. ناتو باصطلاح با عنوان نمودن ایجاد "سپردفاعی و امنیتی" بمنظور حفظ حیات یک میلیارد تن از شهروندان غرب، تنها و تنها به تشدید و وسعت بحران ها و ایجاد و دامنه گیری بیثباتی ها در جهان متهم می باشد. همچنین بسیاری ها چنین پنداشته و موافق این واقعیت می باشند که نتایج بدست آمده از اقدامات مهندسی شده ژئوپولیتیک ناتو بهمه واضح و آشکار گردیده کاز جمله می توان وارد ذیل را نام برد: بالکان چندین پارچه شده، عراق و سوریه مورد شدیدترین و مرگبارترین بمباردمان ها قرار گرفته، کشر عزیزما افغانستان بویرانه ای مبدل گردیده و در نهایت امر، وسعت و گسترش پیمان ناتو بشرق که منجر با ایجاد تقابل و رویارویی هایی در شرایط و وضعیت پسا شوروی گردیده و موجب و سبب ساز ایجاد و سرهم بندی تهدیدهایی برای فدراسیون روسیه گردید.

در مقطع زمان کنونی، برای رهبری ناتو، ایده جلوگیری از شکست آن پیمان در درگیری های مسلحانه کنونی اکرانین درالویت قرار دارد. بمنظور دستیابی به چنین مأمولی، پیشنهاد جدیدی توسط منشی عمومی ناتو در سالگرد تأسیس دسته بندی نظامی یادشده بشرح ذیل مطرح گردید: ایجاد صندوقی در امتداد زمانی پنج ساله بمنظور حمایه و پشتیبانی از اکرانین و جمعآوری ۱۰۰ میلیارد دالراز کشورهای عضو برای انجام این مأمول. علاوه برآن، ناتو از ترس بازگشت دونالد ترامپ بمقام ریاست جمهوری ایالات متحده و تغییر سیاست های آنکشور در قبیل قضایای موجود، در نظر دارد تا صلاحیت های رهبری اداره و اشنگتن را در اینمورد محدود نموده و ارانه کمک به کیف را بو سیله ساختارهای ناتو فراهم نماید. ناتو همچنان رژیم کیف را در رشته نامطمئنی مبنی بر وعده های روزمرگی و سراب ماندنی چون اعطای عضویت در آن پیمان فریب داده و وقت کشی می نماید. آرزومندی عضویت اکرانین در ناتو بویژه بر مبنای اظهارات منشی عمومی ناتو، مربوط بزمان بوده و کنون موضوع یادشده در مورد کیف نا مشخص پنداشته می شود.

بخاطر باید داشت که وظیفه اصلی و مهم ناتو "حفظ امنیت بین المللی" نبوده، بلکه صرف حمایت و پشتیبانی بیدریغ ناتو از اکرانین در دستور کار پیمان یادشده قرار داشته و این واقعیت که در صورت نقش برآب گردیدن اینهمه آرزومند ی ها و به یأس گردیدن خوشباوری ها در مورد اکرانین، چنانچه در کشور عزیزما افغانستان بوقوع پیوست،

چه سرنوشتی برای پیمان یادشده اتفاق خواهد افتاد؟

تحلیلگران مؤسسه هادسون چنین می‌پندارند که کشورهای عضو ناتو حتا با وجود گسترش این دسته بندی بشمال، منابع لازم و ضروری بمنظور مبارزه با فدراسیون روسیه در قطب شمال را ندارند. همچنان خاطر نشان می‌گردد که حتا با در نظر گرفتن فنلند و سویدن، ائتلاف ناتو فاقد حضور نظامی در شمال می‌باشد. واضحست که دسته بندی ناتو، حتا از آمادگی‌ها و امکانات حداقلی بمنظور رویارویی با توانایی‌های نظامی و رزمی روسیه در قطب شمال برخوردار نمی‌باشد. بگفته کارشناس نامبرده، توانایی‌های کنونی ناتو بمنظور شناسایی بموقع زیر دریایی‌های هسته‌یی نیروی دریایی روسیه که در قطب شمال مستقراند، بسنده نمی‌باشند، همچنان تذکر بعمل آمده که در مجموع، پیمان نظامی ناتو در بسیاری از موارد بویژه در قبال قضایای موجود در جهان، شکاف عمیقی میان اعضای آن موجود می‌باشد. داستان عشق نافرجام ناتو به اکرانین، سال‌هاست که همچنان ادامه داشته و چنین می‌نماید کاین پروسه ای باشد دراز مدت. مدتی قبل، سفیر اکرانین در ترکیه، مجدداً درباره تاریخ مشخصی بمنظور پیوستن کشورش باین ائتلاف صحبت نموده و از نتایج نشست دو روزه هفته پسین نماینده‌های وزارت خارجه کشورهای عضو ناتو که مصادف بود با ۷۵ - مین سالگرد امضای پیمان واشنگتن بمنظور پایه گذاری و تأسیس اتحاد اتلانتیک شمالی که بتاريخ ۴ ماه اپریل سال ۱۹۴۹ ترسایی انجام شد، اتحادی که در ابتدا علیه روسیه شوروی تأسیس گردید، اما همانطوری که تاریخ بعدی نشان داد، با وجود نبود پیمان وارسا، ناتو همچنان با اجرای مأموریتش ادامه داده و به مهار نیروهای رقیبش نه تنها در اروپا، بلکه در کلیه نقاط جهان مبادرت ورزید. در امتداد گفتگوهای یادشده، در مورد پیوستن اکرانین به پیمان یادشده نیز صحبت‌ها و گفت و شنود هایی بعمل آمد.

ستولنبرگ منشی عمومی ناتو آشکارا اظهار نمود کاصل امنیت آنها امنیت منطقی نبوده، بلکه از ماهیت جهانی بر خوردار می‌باشد. با وجود آنکه نامبرده یادآور شده و خاطر نشان نمود که در مورد تبدیل ناتو بیک اتحاد جهانی، هیچگونه گفتگو و توافقی اصلن وجود ندارد، اما در واقعیت امر، وضعیت عمومی در "صفحه بزرگ شطرنج" بازی‌های ژئوپولیتیک، کاملن نشاندهنده واقعیت‌های دیگری می‌باشد.

یکشنبه ۲۶ ماه حمل سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۱۴ ماه اپریل سال ۲۰۲۴ ترسایی